

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی روشهای تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان

رقیه غفاری¹

چکیده

نماز به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان دین اسلام، نقش اساسی در تربیت معنوی، اخلاقی و رفتاری افراد، به‌ویژه در دوران حساس نوجوانی دارد. در این میان، خانواده و به‌ویژه والدین، به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد تربیتی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری باورهای دینی و گرایش‌های معنوی فرزندان دارند. مسئله اصلی در این نوشتار بررسی روشهای تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان است. روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده که به روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده است. هدف از نوشتن این تحقیق بررسی روشهای تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان است. براساس یافته‌های این پژوهش روشهای تربیتی والدین می‌توانند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در نگرش نوجوان به مسائل دینی و انجام واجباتی چون نماز مؤثر باشند. سبک‌های اقتداري، استبدادی، سهل‌گیر و بی‌تفاوت از روشهای تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان هستند. از این‌رو، شناخت روشهای مؤثر تربیتی که والدین می‌توانند از آن‌ها برای تقویت روحیه نمازخوانی در فرزندان نوجوان خود بهره بگیرند، ضرورت دارد.

کلید واژه: روشهای تربیتی، والدین، فرهنگ نماز، نوجوانان.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه تربیت دینی، چگونگی انتقال باورها و آموزه‌های دینی به نسل‌های جدید، به‌ویژه در سنین نوجوانی است. نوجوانی، دوره‌ای حساس و سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری شخصیت فرد است؛ دورانی که نوجوان در آن به دنبال کشف هویت خویش، استقلال‌طلبی، و پذیرش نقش‌های اجتماعی و معنوی در جامعه می‌باشد. در چنین بستری، اهمیت تربیت دینی و به‌ویژه آموزش

¹. طلبه سطح 2 مدرسه علمیه تخصصی فاطمه الزهراء (سلام الله علیها)، مریند

عملی و درونی‌سازی ارزش‌های دینی، بیش از پیش جلوه می‌کند. در میان همه‌ی ارزش‌های دینی، نماز به عنوان ستون دین و نماد بندگی خداوند، جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند تأثیر عمیقی بر سلامت روانی، آرامش درونی و انسجام اخلاقی نوجوان داشته باشد. در تربیت دینی، خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که زیربنای فکری، اخلاقی و معنوی کودک را پایه‌گذاری می‌کند. سبک زندگی والدین، نگرش آن‌ها به دین، و شیوه‌ی برخوردشان با مسائل عبادی، از جمله نماز، الگویی عینی و ملموس برای فرزندان محسوب می‌شود. از این‌رو، روش‌هایی که والدین در تشویق فرزندان به نماز به کار می‌برند، می‌تواند موجب علاقه‌مندی یا بی‌تفاوتی نوجوان نسبت به این فریضه مهم شود. تشویق همراه با محبت، الگودهی رفتاری، آموزش غیرمستقیم، و ایجاد فضای معنوی در خانه، نمونه‌هایی از روش‌های مؤثر تربیتی‌اند که می‌توانند زمینه‌ساز گرایش نوجوان به نماز باشند.¹

با این حال، در دنیای امروز که با سرعت بالای تحولات فرهنگی، اجتماعی و فناوری همراه است، نقش خانواده در تربیت دینی با چالش‌های متعددی مواجه شده است. رسانه‌ها، فضای مجازی، گروه‌های همسالان، و نظام آموزشی غیرهم‌سو با ارزش‌های دینی در بسیاری از موارد، موجب کمرنگ شدن جایگاه معنویت در زندگی نوجوانان می‌شوند. از سوی دیگر، برخی والدین یا از تأثیر روش‌های تربیتی خود بر رفتار دینی فرزندان ناآگاه‌اند یا در مواجهه با بی‌توجهی فرزندان به مسائل دینی، دچار سردرگمی و ناتوانی در مدیریت تربیتی می‌شوند.²

با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش در پی آن است که به بررسی دقیق روش‌های تربیتی والدین در ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ نماز در میان نوجوانان بپردازد و ضمن تحلیل عوامل مؤثر، به شناسایی راهکارهایی بپردازد که می‌تواند در این فرآیند مؤثر باشد.

برای موضوع مذکور مقالات بسیاری نوشته شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

مقاله "نقش والدین در تشویق فرزندان به نماز" نویسنده: رضا اخوی، مقاله‌ی "واکاوی اهمیت نقش خانواده‌ها در آموزش و یادگیری نماز فرزندان" نویسنده: سید مسعود طاهری، مقاله‌ی "واکاوی نماز و تربیت عبادی فرزندان با تکیه بر متون دینی" نویسندگان: زهرا فرخ، سمیه سلطانی تیرانی، مقاله‌ی "بررسی نقش والدین و مدرسه در ترویج فرهنگ اسلامی در مدارس ابتدایی" نویسندگان: سارا زارعی، سهیلا خداپناهنده، خدیجه نبی‌نیا، فریبا راعی حبشی، مقاله‌ی "نقش الگوها در جذب نوجوانان

1. حبیبی، نقش محبت در تربیت دینی کودکان و نوجوانان، ص 90

2. قرانتي، نماز و نوجوانان، ص 81

به نماز "نویسنده: اصغر تقی‌زاده شکیبا. وجه تمایز این مقاله با مقاله های دیگر این است که در سال‌های اخیر، مقالات متعددی در زمینه نقش والدین در تربیت دینی و تشویق فرزندان به نماز نگاشته شده‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها یا به تحلیل کلی جایگاه نماز در تربیت اسلامی پرداخته‌اند یا بر شیوه‌های ترویج آموزه‌های دینی توسط نهادهایی مانند مدرسه و مسجد تمرکز داشته‌اند.

در این مقاله به این سؤال پرداخته شده است که چه روشهای تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان وجود دارد؟

الف: مفهوم شناسی

1- فرهنگ

واژه "فرهنگ" در لغت به معنای ادب، آگاهی، دانش، تربیت و مجموعه‌ای از باورها و رفتارهای آموخته‌شده در یک جامعه است.¹

2- نماز

نماز در فرهنگ اسلامی، اصلی‌ترین نماد بندگی و ارتباط انسان با خداوند است.²

واژه‌ی «نماز» ریشه در زبان فارسی دارد و معادل واژه عربی «صلاة» است؛ برخی آن را برگرفته از "نمک" یا "نمز" به معنای تعظیم می‌دانند. «صلاة» در عربی نیز به معنای دعا و طلب خیر آمده است. در روایت آمده است: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ؛ نماز ستون دین است»³؛ همچنین پیامبر فرمودند: «نماز معراج مؤمن است»⁴ از این تعاریف و شواهد برمی‌آید که نماز صرفاً یک عمل عبادی نیست، بلکه تجلی عملی ایمان و نشان‌دهنده جایگاه ارتباط فرد با خداست؛ به همین دلیل است که در قرآن و روایات، بر اقامه‌ی آن به عنوان اولین معیار سنجش دینداری تأکید شده است.⁵

1. دهخدا، لغتنامه، ج 5، ص 173

2. اعرافی، نمازآموزی به فرزندان در فقه تربیتی، ص 88

3. شعیری، جامع الأخبار، جلد 1، صفحه 73

4. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3

5. بهرامی، نقش والدین و مدرسه در تشویق دانش‌آموزان به نماز و تربیت آن‌ها، ص 290

3- نوجوانی

نوجوان . [نَ / نُوجَ] (ص مرکب) پسر امردی که هنوز خطش ندمیده باشد.¹ نوجوانی در لغت به معنی گذار از کودکی به بزرگسالی و در اصطلاح به دوره ای اشاره دارد که در آن تغییرات جسمی، روانی و اجتماعی در انسان رخ می دهد. این دوره معمولاً از ۱۲ تا ۱۹ سالگی و در برخی موارد تا ۲۰ سالگی ادامه می یابد.²

ب: نقش والدین در تربیت فرزندان

اولین و قوی ترین محیط از نظر محبت، محیط خانوادگی است و بالاترین رابطه هم رابطه والدین با فرزند است.³ در معارف اسلامی در باب نقش والدین در تربیت فرزند تعبیراتی وجود دارد که به یک نمونه اشاره می شود:

برخی از روایات، نقش والدین را در قبال فرزندان، مانند نقش یک کشاورز می دانند؛ با این تفاوت که کشاورز، هم باید زمین را شخم بزند هم در آن بذر بپاشد و هم آن را آبیاری نماید. از سوی دیگر ممکن است این همه تلاش های کشاورز به نتیجه نرسد؛ اما کار والدین در امر تربیت فرزند آسان تر است و هیچ سنگ و کلوخی ندارد. او سریع و عمیق اثر می پذیرد. از طرفی بذر را هم خداوند متعال در وجود او کاشته است و نیازی نیست والدین این کار را انجام دهند. والدین تنها باید استعداد های درونی فرزند خود را شکوفا کنند که از آن به " آبیاری زمین وجود کودک " تعبیر می شود. در مسیر تربیت فرزند، زمین وجودی کودک آماده است، بذر هم آماده، تنها وظیفه والدین آبیاری این زمین آماده است، که اگر غفلت کنند به فرزندان خود خیانت کرده اند.⁴

تربیت یعنی تذکر و یادآوری، " به یادآوردن " با " یاد دادن " خیلی تفاوت دارد، این مطلب اشاره به این مسئله دارد که، فرزند انسان در فطرت پاک خود بسیاری از امور الهی و انسانی را می داند و تنها نیاز به یادآوری و تذکر دارد و نیازی نیست به او آموزش داده شود.⁵ بنابراین تذکر و یادآوری باید در سبک تربیتی که با محبت آمیخته است از سوی والدین در امور معنوی به فرزندان خود ارائه شود.

1 . دهخدا، لغتنامه، ج 7، ص 385

2 . بهرامی، نقش والدین و مدرسه در تشویق دانش آموزان به نماز و تربیت آن ها، ص 332

3 . تهرانی، تربیت فرزند، ص ۳۹

4 . همان، ص ۴۹

5 . همان، ص ۵۰

ج: سبک‌های تربیتی والدین در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان

دوران نوجوانی، دوره‌ی حساس رشد فکری و عاطفی است که نوجوان به‌شدت نیازمند الگو، محبت، و توجه است. نوع رفتار والدین، نحوه گفت‌وگو، حد آزادی و میزان اقتدار، همگی بر انتخاب‌ها و باورهای نوجوان تأثیرگذار است. همچنین آیه‌ی شریفه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ و خانواده‌ات را به نماز دستور بده و خود نیز بر آن پایبند و شکبیا باش»¹ و توضوح بر نقش والدین در تربیت عبادی فرزندان تأکید دارد.

بنابراین اگر والدین بتوانند با ایجاد تعادل میان محبت و اقتدار، فضای امنی برای رشد باورهای دینی فرزندان خود فراهم کنند، زمینه برای درونی‌سازی اقامه نماز به‌عنوان یک ارزش پایدار فراهم خواهد شد.

1- سبک اقتداری

یکی از روش‌های تربیتی اثربخش والدین در نهادینه‌سازی فرهنگ نماز بین نوجوانان، سبک اقتداری است. در این روش، والدین با ترکیب محبت و قاطعیت، نقش فعالی در انتقال ارزش‌های دینی به نوجوان ایفا می‌کنند. آن‌ها نه تنها خود به اقامه‌ی نماز پایبندند، بلکه با گفتار و رفتار متعادل، اهمیت آن را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. در این سبک، اجبار صرف کنار گذاشته شده و در عوض، محیطی آمیخته به صمیمیت و انضباط فراهم می‌شود که نوجوان بتواند آزادانه سؤال کند، تجربه کسب کند و از طریق درک شخصی، به اقامه‌ی نماز رغبت پیدا کند.² مصداق این مطلب در قرآن آمده است: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ وظیفه تو، ذکر و یادآوری به مردم است، نه اینکه آن‌ها را مجبور به ایمان و عمل به دین کنی»³ از این رو، سبک اقتداری با درگیر کردن عقل و احساس نوجوان، زمینه درونی‌سازی رفتار دینی را فراهم کرده و نوجوان را به سمت معنابخشی و تداوم نماز سوق می‌دهد. این سبک تربیتی، تعادلی هوشمندانه میان سخت‌گیری و سهل‌گیری برقرار می‌کند و به همین دلیل در تربیت دینی مؤثر واقع می‌شود.⁴

در این روش، نه افراط در زورگویی دیده می‌شود و نه تفریط در بی‌تفاوتی؛ والدین در عین حفظ اقتدار، ارتباطی گرم و شنونده‌محور با نوجوان خود دارند. در دوره‌ای که نوجوان به دنبال هویت‌یابی

1. طه/ 132

2. تقی‌زاده شکبیا، نقش الگوها در جذب نوجوانان به نماز، ص 90

3. غاشیه/ 21

4. صفاجو، بررسی راهکارهای مؤثر در ترغیب کودکان به نماز توسط خانواده، ص 103

دین برایشان مبهم و غیرکاربردی است. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ هر کس از یاد من روی برتابد، زندگی تنگ خواهد داشت».¹ طبق این آیه بی‌ارتباط دانستن دین، زندگی نوجوان را از معنا تهی می‌سازد و او را با خلأهای روانی و معنوی مواجه می‌کند. یکی از ویژگی‌های بارز سبک بی‌تفاوت، نبود ارتباط عاطفی گرم میان والدین و فرزند است. حتی در مواقع بحران، فرزند نمی‌داند می‌تواند به پدر یا مادر پناه ببرد یا نه. نوعی غربت در خانه جریان دارد.² نوجوان در سبک بی‌تفاوت ممکن است به مرحله‌ای برسد که حتی وجود خدا یا سود معنویت را انکار کند. بی‌پناهی، احساس ناامنی، خلأ هویتی و بحران معنوی در این نوجوانان بسیار شایع است. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «بدترین پدران کسانی‌اند که فرزند را ضایع کردند»³ آنچه از این روایت بر می‌آید این است که ضایع کردن فرزند، فقط جسم او را شامل نمی‌شود؛ بلکه رها کردن او از نظر دینی، بدترین نوع رهاسازی است.

والدین بی‌تفاوت نه تنها الگویی برای فرزند نیستند، بلکه گاه خود نیز از اعمال دینی فاصله دارند. این والدین شاید اصلاً خودشان نماز نخوانند یا نسبت به آن حس تعهدی نداشته باشند. پیامبر اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فرمودند: «هر که به نماز بی‌اهمیت باشد، در آخرت با من نخواهد بود»⁴. وقتی والدین در ظاهر و باطن دین‌دار نیستند، نمی‌توانند انتقال‌دهنده ارزش‌های دینی به فرزند باشند.

خانه‌هایی با سبک بی‌تفاوت، از گفت‌وگو درباره مفاهیم معنوی خالی هستند. در این خانه‌ها بیشتر بحث‌ها حول مادیات، مشکلات روزمره یا سکوت‌های سرد می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»⁵ به مردم تذکر داد و یادآوری کرد، زیرا این تذکر و یادآوری برای مؤمنان مفید است»، پس نبود تذکر و گفت‌وگوی معنوی، نوجوان را از بستر رشد ایمانی محروم می‌سازد. نوجوان در سبک بی‌تفاوت، به تدریج حس هویت دینی خود را از دست می‌دهد یا اصلاً آن را شکل نمی‌دهد. این موضوع در تصمیم‌گیری‌ها، ارتباطات و جهت‌گیری‌های او نمایان می‌شود. «و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْهَا * فَالْهَمَّا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ و نفس و آن‌که آن را درست کرد؛ سپس به آن فجور و تقوا الهام

2. طه/۱۲۴

2. یوسفی، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر دینداری نوجوانان، ص 102

3. علی(ع)، غررالحکم، ص 77

4. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲

5. ذاریات/ 55.

کرد»¹ از این چنین بر می‌آید که اگر زمینه‌های تقوا از سوی والدین تقویت نشود، فجور و بی‌هویتی جای آن را خواهد گرفت. فرصت طلایی نوجوانی از دست می‌رود.²

نوجوانی یکی از فرصت‌های طلایی برای تربیت دینی است، اما در سبک بی‌تفاوت این فرصت سوخته می‌شود. نوجوانی پر از سؤالات بنیادین است؛ و اگر پاسخ درست نیابد، سراغ پاسخ‌های انحرافی می‌رود. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در نامه‌ای به امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌فرماید: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُقَرَّرُ لِلزَّمَانِ، الْمُدْبِرُ الْعُمُ؛ پیش از آنکه دلت سخت شود، به تو اندرز می‌دهم»³ این هشدار تربیتی نشان می‌دهد اگر فرصت نوجوانی مغتنم شمرده نشود، تربیت معنوی عملاً شکست می‌خورد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که والدین در سبک تربیتی بی تفاوت، نه آموزش می‌دهند، نه الگو هستند، نه حتی رابطه عاطفی موثری برقرار می‌کنند. و خانه به جای اینکه محل تربیت و محبت برای فرزند باشد تا آنها در آن احساس امنیت کنند، فقط محل اقامت برای زندگی می‌باشد. پس وقتی تذکری در کار نباشد نوجوان هیچ شناختی از دین خدا یا نماز نخواهد داشت و حتی ممکن است آن را انکار کند و از آن روی برگرداند چون دین برایش هیچ کاربردی ندارد و محیط مجازی دوستان ناسالم و تفکرات ضد دینی جای خانواده را برای او پر خواهند کرد.

نتیجه گیری

نماز به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان دین، جایگاه ویژه‌ای در ساختار فرهنگی جامعه اسلامی دارد و نهادینه‌سازی آن در سنین نوجوانی، نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی فرد ایفا می‌کند. در این میان، سبک‌های تربیتی والدین می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج فرهنگ نماز داشته باشند. والدینی که از سبک تربیتی اقتدارگرا بهره می‌برند، یعنی در کنار محبت، نظارت و هدایت معقولی نیز دارند، معمولاً موفق‌ترند. این والدین با رفتار خود، نماز را به عنوان یک ارزش زیبا و قابل احترام معرفی کرده و با شیوه‌هایی مثل همراهی، الگوسازی، تشویق‌های معنوی و فراهم کردن فضای گفتگو، موجب علاقه‌مندی و درونی‌سازی نماز در ذهن و دل نوجوان می‌شوند. در مقابل، والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می‌کنند، نماز را با اجبار و فشار تحمیل می‌کنند؛ در نتیجه، ممکن است نوجوان در ظاهر نماز بخواند، اما در درون نسبت به آن احساس منفی پیدا کرده و در نخستین فرصت،

1. شمس/ 7 و 8

2. موسوی، نقش پدر و مادر در آموزش نماز به فرزندان، ص 31

3. نهج البلاغه، نامه 31

آن را کنار بگذارد. از سوی دیگر، والدین سهل‌گیر یا بی‌تفاوت که نه نظارت کافی دارند و نه الگوی عملی مؤثری هستند، اغلب با بی‌توجهی خود زمینه‌ی کم‌رنگ شدن جایگاه نماز را در ذهن فرزندان فراهم می‌کنند. نوجوانان در این شرایط بیشتر تحت تأثیر همسالان یا فضای مجازی قرار می‌گیرند و ممکن است نسبت به این فریضه الهی دچار بی‌اعتنایی یا تردید شوند. بنابراین برای ترویج فرهنگ نماز، بهترین راه، استفاده از سبک تربیتی مقتدرانه، گفت‌وگوی محبت‌آمیز، تشویق‌های درونی، و ایجاد حس عشق و ارتباط قلبی با خداوند است. خانواده‌ای که نماز را نه فقط یک وظیفه، بلکه یک فرصت برای آرامش، انس با خدا و رشد شخصیت می‌داند، می‌تواند نوجوانی نمازگزار، آگاه و با هویت دینی تربیت کند.

فهرست منابع:

کتابها

*قرآن

*نهج البلاغه

1. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (1378 ش). غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح حسین محمدی، قم: دارالکتب الإسلامية، 2 جلد.
2. تهرانی، مجتبی، ادب الهی (۱۳۱۶)، تربیت فرزندان، تهران: موسسه فرهنگی پژوهش مصابیح الهدی، ۱۳۹۴، ۲۰۰۰ جلد.
3. دهخدا، علی اکبر، (1338)، لغت نامه، تهران، نسیم
4. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث (1410 ق). سنن أبی داود، تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالفکر، 4 جلد.
5. شریف رضی، محمد بن حسین (1406 ق). نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، بیروت: دارالهجره، 1 جلد.
6. طباطبایی، محمدحسین. (1374). تفسیر المیزان. جلد 3. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
7. قرائتی، محسن. (1380). نماز و نوجوانان. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
8. کلینی، محمد بن یعقوب (1388 ق). الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، 8 جلد.
9. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (1403 ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء، 110 جلد.
10. محسنی، منصور. (1390). روان‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان. تهران: انتشارات سمت.
11. یزدان‌پناه، علی‌اکبر. (1389). نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقالات

1. حبیبی، زهرا. (1392). نقش محبت در تربیت دینی کودکان و نوجوانان. مجله معارف اسلامی و روانشناسی

2. زارعی، سارا؛ خدایانه، سهیلا؛ نبی‌نیا، خدیجه و راعی حبشی، فریبا. (1398). بررسی نقش والدین و مدرسه در ترویج فرهنگ اسلامی در مدارس ابتدایی. دومین همایش بین‌المللی جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش
3. شفیعی، محمدرضا. (1390). نقش نهاد خانواده در ارتقاء سطح معنوی فرزندان. فصلنامه خانواده و تربیت
4. صادقی، علی و صادقی، مهدی. (1399). تأثیر و نقش نماز خواندن والدین بر تربیت فرزندان. دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت.
5. صفاجو، بهنام و همکاران. (1401). بررسی راهکارهای مؤثر در ترغیب کودکان به نماز توسط خانواده. شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
6. طاهری، سید مسعود. (1396). واکاوی اهمیت نقش خانواده‌ها در آموزش و یادگیری نماز فرزندان. هفتمین کنگره ملی علوم انسانی.
7. غفاری، فاطمه. (1393). راهکارهای تقویت فرهنگ نماز در خانه و مدرسه. مجله رشد تعلیم و تربیت
8. کریمی، زهرا. (1398). رابطه سبک‌های فرزندپروری با نگرش دینی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
9. موسوی، محمدجواد. (1394). نقش پدر و مادر در آموزش نماز به فرزندان. فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی
10. میرزایی، فاطمه. (1400). نقش الگوهای دینی در تربیت عبادی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرهنگیان.
11. ناصری، الهام. (1396). عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به انجام فرایض دینی. همایش نقش نهاد خانواده در ترویج ارزش‌های دینی.
12. یوسفی، اعظم. (1398). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر دینداری نوجوانان. فصلنامه مطالعات فرهنگی